

قرارداد نشر و شرایط تنظیم آن در حقوق ایران و انگلستان

منصور خاکپور^{*}

چکیده: با توجه به اینکه مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری به صاحبان آن، حقوق مالکانه انحصاری اعطا می‌کند لذا صاحبان این آثار از جمله نویسندگان کتاب می‌توانند حق انتشار آثار خود را به ناشران منتقل کنند یا برای مدتی معین مجوز انتشار آن را در قبال دریافت حق تألیف به آنها اعطا نمایند. اما به علت اینکه در ایران، مقررات و قوانین خاصی در مورد انعقاد قراردادهای نشر و شرایط تنظیم آن وجود ندارد همواره این نوع قراردادها منشأ نزاع و اختلاف طرفین می‌شود. بررسی قراردادهای نشر نشان می‌دهد که پدیدآورندگان آثار و ناشران باید با حقوق و تکالیف خود و نیز مفاهیم قراردادهای نشر بیشتر آشنا شوند و با عقد قراردادهای دقیق و آگاهانه از پایمال شدن حقوق خود و همچنین از وقوع دعوا جلوگیری کنند.

واژگان کلیدی: قرارداد نشر، حق تألیف، شرط اصلاح، داوری، کپی رایت، حقوق مورد انتقال.

^{*} دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (گرایش مالکیت فکری) دانشگاه تربیت مدرس.

درآمد

به موجب ماده ۳ و بند ۵ ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان^(۱) و ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی^(۲)، حق نشر و تکثیر از آن پدیدآورنده است. صاحب اثر می‌تواند خود، عمل نشر را انجام دهد و یا مطابق ماده ۵ قانون مذکور این حق را به دیگری واگذار کند. این حق متعلق به پدیدآورنده بوده، احدی - جز به اذن مکتوب او - حق بهره‌برداری از آن را ندارد (مواد ۲ و ۳ قانون ترجمه و تکثیر ۱۳۵۲) این اذن عادتاً از طریق قرارداد انتشار اثر انتقال می‌یابد. در انتقال به دیگری باید نوع تصرف، مدت و عرض آن مشخص شود.

قراردادهای چاپ و نشر در قوانین ایران تنظیم نشده و به دیگر سخن، مقرراتی راجع به آن در قانون نیامده است در حالی که شایسته است قانونگذار مقرراتی در این خصوص برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان و ناشران و تنظیم شایسته رابطه آنان وضع کند. چنان که در حقوق کشورهای پیشرفته مقررات جامعی در این زمینه وضع شده است. [۷:۵۵]

قرارداد نشر متضمن سند بسیار مهمی در جریان نشر است. اهمیت قرارداد نشر در این است که قلمرو حقوق و منافع نویسنده و ناشر را معین می‌کند و روابط طرفین عقد را تنظیم و اداره می‌کند.

این مقاله کوشش دارد قراردادهای نشر و حقوق و الزاماتی را که در پرتو آن ایجاد می‌شود به اجمال مورد بررسی قرار دهد و نیز درباره برخی از شروط متداولی که معمولاً در قراردادهای نشر آورده می‌شود و ضمانت اجرای آنها بحث کند.

۱. قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
۲. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲.

گفتار یکم: قرارداد نشر و نحوه انعقاد آن

حق نشر اثر متعلق به پدیدآورنده آن است و اوست که می‌تواند در مورد انتشار یا عدم انتشار اثرش تصمیم بگیرد. اصل انتشار و حتی نوع و طریق آن در زمره حقوق معنوی مؤلف است و باید توسط او معین شود. تعیین قابلیت، زمان و طریقه نشر نیز در اختیار مؤلف قرار دارد. از این رو، صاحب حق می‌تواند در قالب قرارداد نشر حقوق خودش را به ناشر منتقل سازد و یا اجازه بهره‌برداری از آن را اعطا کند. در قراردادهای نشر اساساً، مؤلف امتیاز تکثیر و توزیع اثر را به ناشر واگذار می‌کند و متعهد می‌شود که در دوران حیات قرارداد، از هرگونه تکثیر و نشر اثر اجتناب ورزد. در مقابل، ناشر موظف است که اثر را مطابق قرارداد تکثیر و توزیع کند. البته مؤلف می‌تواند گستره متنوعی از آثار را برای انتشار به ناشر واگذار کند از جمله نثر همچون یک کتاب یا متن سخنرانی، نمایشنامه‌ها، ترجمه‌ها و متون تطبیق یافته، کتب مصور، آثار گرافیکی دارای ماهیت علمی و دانشگاهی همچون طرحها، نقشه‌ها، جداول و ... [۴:۱۴۰]

در حقوق انگلیس، شرایط مهمی که برای قراردادهای نشر وجود دارد عبارت است از:

۱. توافق صریح بین پدیدآورنده و ناشر؛
۲. قصد طرفین در انعقاد قرارداد؛
۳. تعیین عوض ارزشمند.

به موجب حقوق انگلیس، یک قرارداد الزام‌آور نخواهد بود مگر اینکه:

الف) به وسیله طرفین امضا شود و در موارد لازم که قانون معین کرده، از طریق سند رسمی صورت بگیرد.

ب) به وسیله مقداری عوض ارزشمند حمایت شود. [۱۱:۶۲]

در حقوق ایران نیز پیروی از مقررات عمومی قراردادها و شروط اساسی

مندرج در ماده ۱۹۰ ق.م.^(۱) از جمله تعیین موضوع قرارداد ضروری است و عدم تعیین آن به بی اعتباری عقد می انجامد. موضوع قرارداد نشر عبارت است از تألیف یک جلد کتاب با عنوان خاص در زمینه معین با حدود صفحه چاپی مشخص که پس از چاپ تعداد دقیق صفحات معلوم می شود. اما در خصوص اینکه در قرارداد نشر الزاماً بایستی عوض تعیین شود در حقوق ایران اختلاف نظر وجود دارد. زیرا اگر آن را عقد بیع قلمداد کنیم تعیین ثمن ضرورت خواهد داشت لکن چنانچه پیمان نشر را قرارداد نامعین و تابع ماده ۱۰ قانون مدنی که متضمن اصل آزادی قراردادهاست بدانیم معین ساختن عوض و وجود آن الزامی نخواهد بود و پدیدآورنده می تواند به رایگان حق نشر را واگذار کند.

مبحث یکم: تبعیت قرارداد نشر از عقد معین بیع یا قراردادهای نامعین

اگر قرارداد نشر را پیرو عقد بیع بدانیم این امتیاز را خواهد داشت که شرایط و ضوابط آن به راحتی بر اساس مقررات راجع به بیع تعیین شود و تنظیم روابط طرفین پیمان تسهیل خواهد شد. انشای عقد معین به معنی پذیرفتن آثار و نتایجی است که قانون برای آن مقرر کرده است، هرچند که این آثار و نتایج هنگام تشکیل عقد بیان نشود. برعکس در عقد غیر معین طرفین باید نتایجی را که از عقد انتظار دارند، در حدود قانون ذکر کنند و در صورت عدم ذکر آن، نتایج مزبور منتفی خواهد بود. در مورد تبعیت قراردادهای نشر از بیع یا عقود نامعین بین نویسندگان حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. گروهی بر این باورند که مقررات بیع در این خصوص حاکم خواهد بود. اینان اثر فکری را مال و عین تلقی می کنند که بالتبع قابل معامله در قالب بیع نیز خواهد بود. موضوع عقد اثر فکری است که نقش مبیع را دارد شروط قرارداد هم به منزله شروط

۱. ماده ۱۹۰ قانون مدنی: برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱. قصد طرفین و رضای آنها؛ ۲. اهلیت طرفین؛ ۳. موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴. مشروعیت جهت معامله.

ضمنی عقد بوده و براساس قاعده تراضی میان طرفین لازم الاجرا خواهد بود؛ در نتیجه تمام قواعد مبیع - مثل معین و معلوم بودن آن، زمان عرضه اثر کیفیت و کمیت، حق موضوع آن ... - و پرداخت ثمن آن باید در قرارداد معلوم باشد یعنی تیراژ یا تعداد نسخه‌هایی که باید عرضه شود مبین کمیت حقوق پدیدآورنده است. بنابراین تیراژ اثر یکی از مواد قرارداد است همان‌گونه که درصد حق تألیف از قیمت پشت جلد هر نسخه از کتاب باید در قرارداد ذکر شود. بدیهی است که مقدار و شیوه پرداخت حق تألیف به توافق و تفاهم طرفین بستگی دارد که پس از تراضی در قرارداد قید می‌گردد. نوبت چاپ اثر و زمان آن نیز از مواد قرارداد است (۱۲:۱۲۴) و اما برخی دیگر معتقدند که حقوق مزبور نوع خاصی از حقوق، ولی دارای ارزش اقتصادی است که علی‌الاصول این حقوق غیرقابل فروش بوده و مشمول احکام خاصه بیع نخواهد بود چرا که بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم. در نتیجه، حقوق مزبور مشمول قواعد عمومی معاملات و ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و بر این اساس قابل انتقال خواهد بود. پذیرش و شناسایی اثر فکری به عنوان مال مادی و عینی با توجه به پیشینه و مبانی حقوقی ایران ممکن نیست و تنها قانون‌گذار است که می‌تواند طرحی نو دراندازد و آن را به مثابه عین بداند.

نکته دیگر این است که ناشر می‌تواند در ازای انتقال حق نشر یا اجازه بهره‌برداری از آن، عوض در یافت کند یا به طور رایگان بدین امر اقدام ورزد. چه بسا نفس انتشار اثر برای او بسیار حائز اهمیت باشد. بنابراین تعیین عوض به عنوان رکن قرارداد محسوب نمی‌شود البته اگر نظری را بپذیریم که انتقال حق نشر را تابع ماده ۱۰^(۱) قانون مدنی می‌داند نه پیرو عقد معین بیع.

۱. قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

مبحث دوم: ضرورت انعقاد قرارداد نشر به صورت کتبی و طرح پرونده طبق ماده ۹۲ و بند ۳ ماده ۹۰ قانون کپی رایت، طرحها و ثبت اختراعات انگلیس^(۱)، و اگذاری کپی رایت و اعطای حقوق انحصاری باید به طور کتبی انجام شود. اما در حقوق ایران از آنجا که مقررات خاصی در مورد قراردادهای نشر وضع نشده است در خصوص کتبی بودن قرارداد نشر و تنظیم سند رسمی نیز سکوت اختیار شده است و قرارداد خواه شفاهی و خواه کتبی مطابق قواعد عمومی زمینه التزام طرفین را فراهم می سازد، هر چند که بیشتر توصیه می شود که برای جلوگیری از وقوع نزاع و دعوا، انعقاد قرارداد به صورت مکتوب انجام شود. به علاوه شایسته است که قانونگذار تنظیم سند رسمی را در مورد قراردادهای نشر الزامی گرداند تا بدین وسیله حقوق پدید آورندگان به شکل مناسبی حمایت شود. البته لازم به ذکر است که لزوم کتبی بودن قراردادهای نشر بدان معنی نیست که قراردادهای شفاهی بی اثر می باشند و هیچ نوع تعهد و التزامی برای طرفین به وجود نمی آورند، بلکه پیمانی که به طور شفاهی و با لحاظ شرایط مقرر و قواعد عمومی قراردادها بسته می شود نیز زمینه التزام طرفین را فراهم می سازد و آنها باید به مفاد آن پای بند باشند. در این خصوص، پرونده ای در سال ۱۹۹۹ در انگلیس مطرح شد.^(۲) دادگاه استیناف اعلام داشت ناشر ممکن است از طریق توافق شفاهی نیز متعهد شود مشروط بر اینکه عناصر اساسی و لازم برای انعقاد قرارداد موجود باشند. [۱۱:۶۶]

در این پرونده شخصی به نام ملکم^(۳) نسخه دست نویس اثر خود را به انتشارات دانشگاه آکسفورد^(۴) ارائه کرد. سردبیر انتشارات (آقای هاردی) و

1. Copyright, designs and patents Act of United Kingdom (1988)

2. Malcolm. v.oup

3. Malcolm

4. oup

یک خوانندهٔ دیگر، هر دو، کتاب آقای ملکم را پسندیدند لیکن آن را بسیار طولانی دانستند و آقای هاردی بخشهای مهم را جهت چاپ پیشنهاد کرد. دو گفت‌وگوی تلفنی بین آنها انجام شد که آقای ملکم هر دو را با آینده‌نگری عجیبی ضبط کرد. در مکالمه دوم، آقای هاردی اظهار نظر بسیار مهمی را انجام داد و به طور خلاصه مفهومش این بود که من می‌دانم که شما جهت انجام مرحله بعدی کار یعنی اصلاح اثر، تعهد و تضمین کافی می‌خواهید درست همان چیزی که من پیشنهاد می‌کنم و از آنجا که به عقیده من، این کار همچون یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است نمی‌خواهم که از نظر مالی بسیار بد باشد... بنابراین ما باید مقرر کنیم که شما حق تألیف منصفانه‌ای دریافت کنید و...

در نتیجه، مؤلف اصلاحات لازم را انجام داد اما انتشارات بعداً نظرش را تغییر داد و از نشر اثر امتناع ورزید. آقای ملکم به خاطر نقض قرارداد علیه انتشارات اقامه دعوا کرد. دادگاه حکم داد که در این اوضاع و احوال تمام عناصر ضروری و سازنده قرارداد موجود است و امتناع انتشارات دانشگاه آکسفورد از انتشار اثر بعد از تمام این مسائل، مسلماً نقض قرارداد محسوب می‌شود. دادگاه استنباطهای مهمی را در این زمینه بیان کرده است:

۱. تشریفات خاصی برای قراردادهای نشر مقرر نشده است و امری نیست که اگر جزئیات قرارداد از قبیل شرایط حق تألیف، شمارگان چاپ یا شکل نشر رها شوند تا بعداً در مورد آنها توافق صورت بگیرد سبب نقض یک قرارداد در عالم حقوق شود. چنانچه طرفین در عناصر اساسی توافق نمایند قرارداد معتبر است به دلیل اینکه اعلام می‌کنند که برای توافق بیشتر و مفصل در مورد برخی از مسائل کلیدی، بعداً اقدام می‌شود.

۲. در این پرونده، توافق صریح و روشن وجود داشت مبنی بر اینکه آقای ملکم می‌خواست اثر را تحویل دهد و انتشارات دانشگاه آکسفورد نیز می‌خواست آن را منتشر سازد (واقعاً نویسندگان به سرعت آنچه را که انتشارات

تصریح کرده بود اصلاح کرد).

۳. کاملاً قصد صریح در هر دو طرف برای شرکت در روابط حقوقی وجود داشت، آقای ملکم اراده‌اش را بر داشتن پیمان قطعی قبل از انجام هر نوع کار بیشتر روشن ساخت و آقای هاردی نیز آن پیمان را پیشنهاد کرد.

۴. دانستن آنچه مقصود یک پیمان قطعی است به جز قصد ایجاد رابطه حقوقی... مشکل است. آقای هاردی، آقای ملکم را از طریق دادن اطمینان واهی به اصلاح کتاب واداشت که می‌تواند در حکم کلاهبرداری باشد.

۵. علاوه بر اینها، عوض کافی در قرارداد وجود داشت. در نوع تعهد هاردی این امر وجود دارد که حق تألیف منصفانه پرداخت شود. این عبارت مبهم شیوه مناسب و توصیه شده‌ای برای معین ساختن عوض در قراردادهای نشر نیست اما در حقوق کفایت می‌کند.

به هر حال اکثریت دادگاه چنین حکم کرد که انتشارات دانشگاه آکسفورد با یک قرارداد الزام‌آور در نشر کتاب آقای ملکم در ازای حق تألیف منصفانه شرکت بسته است به نظر دادگاه هنگامی که آقای هاردی اصطلاح قرارداد و حق تألیف را به کار می‌برد در حقیقت معنی گفته‌هایش را می‌دانست).

استنباط نهایی دادگاه این بود که امکان دارد دستور اجرای قرارداد نشر به شیوه مناسب داده شود و ناشر به انتشار اثر ملزم شود. با وجود این، در اکثر موارد محاکم از صدور چنین دستوراتی امتناع می‌کنند زیرا اجرای آنها برای دادگاه اگر نگوئیم ناممکن است بسیار دشوار خواهد بود. از این رو اگر حکم به جبران خسارت به دلیل نقض قرارداد میسر باشد محاکم معمولاً حکم به خسارت را ترجیح می‌دهند.

لازم به ذکر است که اعلام اراده باطنی مبنی بر انعقاد عقد می‌تواند صریح و یا به شکل تلویحی صورت گیرد و در اینجا انتشارات دانشگاه آکسفورد به طور ضمنی موافقت خود را در خصوص عقد قرارداد با آقای ملکم اعلام کرده بود.

مبحث سوم: قراردادهای استاندارد ناشر - پدیدآورنده

پس از تمام مذاکراتی که راجع به قرارداد صورت می‌گیرد سرانجام مسئله تصمیم‌گیری در مورد انعقاد عقد مطرح می‌شود، چنانچه طرفین به عقد قرارداد رغبت نشان دهند مایل‌اند که قرارداد، آنها را به تحقق دو امر مهم قادر سازد:

۱. تعهدات متقابل نسبت به یکدیگر (مؤلف کتابی را خواهد نوشت و ناشر آن را منتشر خواهد کرد).

۲. تحصیل حقوق (برای ناشر کسب همه حقوقی که در نشر و استفاده اثر لازم است و برای مؤلف سهم مناسبی از درآمد).

اکثر ناشران به ویژه شرکتهای بزرگ نشر، قراردادهای نمونه‌ای را آماده می‌کنند که در چند ماده مفصل و به صورت چاپی تنظیم می‌شود. بیشتر مؤسسات ادبی نیز قراردادهای استاندارد خاص خودشان را دارند. نمونه‌هایی که در قراردادها به کار گرفته می‌شود به قدرت چانه‌زنی طرفین بستگی دارد. یک نویسنده مشهور و نامی در مواجهه با شرایط استاندارد از موقعیت بهتری برخوردار است اما ناشری که خطر انتشار اثر مؤلفی گمنام را تقبل می‌کند معمولاً استفاده از قرارداد استاندارد خودش را ترجیح می‌دهد.

معمولاً قراردادهای نشر با مسائل مشابهی روبه‌رو هستند. از این رو، ضروری است که حقوق و تعهدات طرفین صریحاً در قرارداد معین شود، خواه انتشار کتاب به شکل سنتی مقصود باشد یا ژورنال، کتاب الکترونیک یا خدمات آن‌لاین. لازم است که مشخصات دقیق آن از قبیل محتوا، شکل، شماره، تصاویر و... به صراحت قید شود و نیز حقوق معنوی پدیدآورنده صراحتاً محترم شمرده شود. [۱۲]

گفتار دوم: محتوا و مضمون قرارداد نشر

از دیدگاه ناشر یکی از موضوعات اصلی قرارداد، تحصیل حقوق است و

اینکه امکان دارد استفاده بسیاری از زبانها، اشکال و وسیله را در برگرد و نیز شامل فعالیتهای ناشر در تمام نقاط جهان باشد. در مورد حقوق الکترونیک ممکن است ناشر هم حق فروش نسخه الکترونیک اثر را بخواهد و هم حق دادن اجازه استفاده دیجیتال به دیگران را برای مثال به عنوان بخشی از پایگاه داده. به هر حال لازم است که در قرارداد تکلیف همه حقوق به طور صریح روشن شود و چنانچه انتقال حقی مورد تردید واقع شود؛ اصل عدم انتقال حق و باقی ماندن آن برای مؤلف است.

قرارداد بایستی وضعیت روشنی داشته باشد و اطمینان حاصل شود که:

۱. نویسنده و ناشر به وضوح می دانند که چه کسی حقوق را کنترل و اعمال می کند.
۲. ناشر با اطمینان، بتواند اجازه استفاده از حقوق خاصی را به دیگران اعطا کند.

۳. امکان انتقال حقوق و یا دادن اجازه برای استفاده از آن وجود دارد.

۴. همه فعالیتهای مجاز، قانوناً در مقابل نقض کنندگان مورد حمایت قرار می گیرد. [۷۵:۱۱۱]

در تحصیل حقوق مورد نیاز نشر دو شیوه برای ناشر وجود دارد:

- الف) به دست آوردن انتقال کامل کپی رایت از مالک آن
- ب) تحصیل جواز نشر با بیانی وسیع که همه فعالیتهای نشر قابل تصور را در برگرد.

مبحث یکم: کپی رایت کامل یا جواز و قلمرو آن

معمول است که پدیدآورندگان کپی رایت خود را حفظ می کنند و تنها به اعطای جواز انحصاری اقدام می کنند اما گاهی انتقال کامل کپی رایت در مواردی از قبیل آثار مرجع یا آثار چند رسانه ای که صدها نویسنده در تهیه آن مشارکت دارند برای کنترل طولانی مدت حقوق و حمایت اثر در مقابل سرقت بین المللی منطقی جلوه می کند. لیکن اغلب، جوازهای انحصاری

خواسته‌های ناشران را برآورده می‌کند. هنگامی که مؤلف اقدام به اعطای جواز انحصاری به ناشر می‌کند خودبه‌خود متعهد می‌شود که جواز مشابهی را به دیگران اعطا نکند.

اینکه یک جواز نشر چه اعمال و فعالیت‌هایی را برای ناشر مجاز می‌کند و در واقع محتوای قرارداد نشر چیست؟ به طور ساده باید گفت که منفعت ناشر در آن است که تا حد امکان امتیازهای گوناگون مربوط به یک اثر را از مؤلف آن تحصیل کند. البته حتی امروز نیز بخش عمده درآمدهای ناشر از محل فروش کتاب به شکل چاپی حاصل می‌شود اما اینکه ناشر دیگر منابع درآمد همچون درآمدهای ناشی از تبدیل اثر به فیلم یا ترجمه آن به زبانهای دیگر یا استفاده از اثر در فناوریهای ارتباطی دیجیتال را تنها به این دلیل که موارد مذکور در متن قرارداد پیش‌بینی نشده است، از کف بدهد بسیار تأسف بار است.

بنابراین توصیه می‌شود که ناشر هنگام مذاکره برای انعقاد قرارداد نشر کوشش نماید که علاوه بر امتیاز تکثیر و توزیع اثر به شکل چاپی، امتیازهای انحصاری زیر را نیز از مؤلف اخذ کند: [۱۴:۱۴۰]

۱. امتیاز ترجمه اثر به دیگر زبانها؛
۲. امتیاز تبدیل به نمایشنامه؛
۳. امتیاز تبدیل اثر به فیلم یا استفاده از آن در اپرا و غیره؛
۴. امتیاز انتشار پیشاپیش اثر در مجلات و روزنامه‌ها؛
۵. امتیاز انتشار ویراستهای جلد شومیز و ویراستهای ویژه باشگاههای کتاب؛
۶. امتیاز بهره‌گیری از اثر در قالب دیجیتال، مثلاً در شبکه اینترنت یا در قالب سی‌دی و غیره؛
۷. حقوق تلخیص کتاب، تقلید و اقتباس؛
۸. حقوق آگهی و تبلیغات.

البته یک جواز نشر در حال حاضر، احتمالاً موارد زیر را در بر می‌گیرد:

(الف) حق تکثیر (که می‌تواند کپی را در برگیرد)؛

(ب) حق عرضه به عموم و قابل دسترس ساختن آثار برای عموم (که می‌تواند شامل دسترسی آنلاین باشد)؛

(ج) حق توزیع (در شکل نسخه چاپی)؛

(د) حق دادن اجازه نشر و... به دیگران از سوی ناشر. [۷۶:۱۱۱]

لازم به ذکر است که مؤلف می‌تواند تنها اجازه استفاده از برخی حقوق را بدهد و بقیه را برای خود حفظ کند که انتقال و جواز آنها منوط به رضایت مؤلف و تراضی او با ناشر است.

مبحث دوم: شکل، زبان، قلمرو جغرافیایی و مدت قرارداد

۱. شکل: اجازه ممکن است همه اشکال و وسایل را در برگیرد یا شکل کتاب را محدود کند. حقوق والیوم^(۱) معمولاً همه چاپهای با جلد زرکوب و شومیز را در بر می‌گیرد. تعریفی اجماعی از حقوق والیوم وجود ندارد اما این اصطلاح احتمالاً شامل گلچینها و حقوق کتاب مصور نیز می‌شود و ممکن است حقوق دیگری را نیز مرتبط با استفاده متن دقیق اثر به عنوان یک کل در برگیرد. در پرتو روشهای نوین تحول دیجیتال، از قبیل متن قابل دانلود یا ابزار دستی مانند کتاب اینترنتی، اگر متن کامل و بی‌کم و کاست منتشر شود یا در این شکل قابل دسترس شود چنین استفاده‌ای ممکن است به عنوان بخشی از حقوق والیوم تلقی گردد. لیکن ناشران و مؤلفان در چنین مواردی ترجیح می‌دهند که انتقال صریح حقوق را در قرارداد پیش‌بینی کنند.

دو پرونده در محاکم آمریکا مطرح شده است که می‌تواند در این زمینه آموزنده باشد. در پرونده *Tasini v. NEW YORK Times* (2001) دیوان عالی آمریکا حکم داد که ناشران آثار جمعی از قبیل روزنامه و مجلاتی که

مقاله‌های نویسندگان آزادکار را منتشر می‌کنند (معمولاً بدون اینکه قراردادی امضا شود یا حقوقی انتقال یابد) به طور خودکار حق ادامه دادن به استفاده از مقالات آنها را در پایگاه داده‌های الکترونیکی ندارند و دیوان در پرونده دیگری (2001) Rangom House v. Rosetta Books حتی موقعی که ناشر حقوق انحصاری را در نشر آثار تعدادی از پدیدآورندگان به شکل کتاب داشت و مدتها برقرار بود حکم کرد که الزاماً این حقوق انحصاری اجازه استفاده از همان متن را به شکل کتاب الکترونیک نمی‌دهد. از این رو لازم است که همه وسیله‌ها و اشکال نشر کتاب در قرارداد پیش‌بینی شود. [۱۱:۷۸]

۲. زبانها: اجازه‌ها فقط زبان اصلی معین در قرارداد نشر را در برمی‌گیرند به عبارت دیگر ناشر نمی‌تواند اثر را به زبانهای دیگری منتشر سازد مگر اینکه این حق توسط پدیدآورنده به او داده شود که مستلزم تراضی طرفین است.

۳. قلمرو جغرافیایی: اجازه ممکن است انتشار اثر را تنها در سرزمین معین اجازه دهد یا اینکه نشر آن را در سراسر جهان مجاز کند. در هر صورت، طرفین پیمان نشر هستند که در مورد انتشار اثر در قلمروی معین یا در کل دنیا تصمیم می‌گیرند. معمولاً آنان بعد از ارزیابی بازار بهترین مکان را برای نشر و توزیع اثر برمی‌گزینند. [۱۲:۳۲] *رتال جامع علوم انسانی*

۵. مدت قرارداد: بسیار مهم است که مدت اجازه اعطا شده صراحتاً در قرارداد تعیین شود. بسیاری از ناشران اجازه را برای تمام مدت دوران کپی‌رایت می‌خواهند و در مورد برخی آثار مخصوصاً کتابهای درسی یا آثار مهم مرجع، ناشران احتمال دارد که امکان چاپهای متعددی را پیش از اینکه اثر واقعاً مورد استفاده قرار گیرد لازم داشته باشند. به هر حال مدت اجازه ممکن است براساس تراضی طرفین کوتاه یا به اندازه مدت کپی‌رایت باشد. در حقوق ایران طبق ماده یک قانون ترجمه و تکثیر... و مواد قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مدت قرارداد انتقال یا اجازه باید معین

شود و مطابق ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر انتقال گیرنده حق می تواند تا سی سال پس از واگذاری، از این حق استفاده کند مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد. زیرا مؤلف می تواند اجازه را برای مدت معینی اعطا کند.

گفتار سوم: وظایف و تعهدات طرفین پیمان نشر

تحویل اثر مسئولیت و تعهد اولیه و اساسی پدیدآورنده به موجب قرارداد نشر است. بنابراین ناشر می خواهد مطمئن شود که اثر در شکل مقرر و موعد معین بر طبق مفاد قرارداد تحویل خواهد شد از جمله تعیین صریح زمان و شیوه تحویل اثر (برای مثال بر روی دیسکت) و تعیین ضمانت اجرای تأخیر در تحویل اثر ضرورت دارد. برخی قراردادهای نشر مقرر می کنند که صاحب اثر به انجام مواردی همانند تألیف متن کامل اثر، نگارش مقدمه، تهیه و تنظیم جداول، نمودارها و تصاویر مورد نیاز طبق مشخصات اثر، تنظیم فهرست مطالب، فهرست منابع و سایر فهرستهای مورد نیاز و تهیه خلاصه‌ای از محتوای کتاب جهت معرفی آن در مطبوعات متعهد شوند. علاوه بر موارد مذکور، شروط قراردادی نیز می تواند زمینه ساز تعهد نویسنده باشد همچون شرط اصلاح اثر و عدم رقابت با ناشر که در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت.

در مقابل، اگر مسئولیت اصلی پدیدآورنده به موجب قرارداد تحویل اثر باشد مسئولیت ناشر نشر آن است. بدین جهت است که در قرارداد نشر بایستی موعد و مهلت نشر اثر معین شود و تأخیر در نشر اثر زمینه مسئولیت او را فراهم می سازد. در شرایط عادی و متعارف ناشر به انتشار اثر اقدام می کند مگر اینکه شرایطی خارج از اداره و کنترل ناشر مانع اقدام او شود (وقایعی مانند جنگ، سیل، آتش سوزی یا حمله تروریستی). همچنین ممکن است که نشر اثر به وقوع یا حصول امری مشروط شود یا به موجب شرط در صورت وقوع عملی یا عدم وقوع آن، امر نشر منتفی گردد. در واقع ممکن

است قرارداد نشر به صورت مشروط منعقد شود.

معمولاً در قراردادهای نشر مقرر می‌کنند که چنانچه ناشر تا موعد معینی به چاپ و نشر اثر اقدام نکند درصد معینی از حق تألیف یا وجه معینی را به عنوان خسارت به پدیدآورنده پرداخت نماید. طبق اصول و قواعد عمومی قراردادها چنانچه ناشر در موعد مقرر یا مهلت متعارف اقدام به انتشار اثر ننماید مؤلف می‌تواند از محکمه، الزام او را به نشر اثر و پرداخت خسارت تأخیر در انجام تعهد مطالبه کند (ماده ۲۳۷ قانون مدنی). اما از آنجا که عملاً الزام ناشر به نشر اثر برای محاکم دشوار به نظر می‌رسد توصیه بر این است که مؤلف قرارداد را فسخ و مطالبه خسارت کند.

گاهی ممکن است موضوع قرارداد نشر راجع به موضوع جدیدی باشد که نویسنده به تألیف آن اهتمام ورزیده است و انتشار اثر در موعد مقرر می‌تواند میزان فروش آن را بسیار افزایش دهد لیکن چون ناشر به موقع به انتشار آن اقدام نکرده است و در فاصله تأخیر او آثار دیگر با همان مضمون یا مضامین مشابه توسط نویسندگان دیگر تألیف و چاپ شده که به کلی بازار اثر را تضعیف کرده است؛ در واقع بحث وحدت یا تعدد مطلوب در انجام تعهد مطرح می‌شود که فرضاً در این مسئله تعدد مطلوب حاکم است. در این مورد تنها الزام ناشر به نشر اثر خسارت نویسنده را جبران نمی‌کند و ناشر باید تمام خسارتهای وارد شده به پدیدآورنده را نیز جبران کند.

تعهد دیگر ناشر در برابر مؤلف این است که حق تألیف را در موعد معین طبق قرارداد پرداخت کند. همچنین ناشران متعهد می‌شوند که چند نسخه از اثر را به رایگان به پدیدآورنده تقدیم نمایند. علاوه بر اینها، مؤلف می‌تواند شرط کند که چنانچه ناشر ظرف مدت معین (فرضاً ۶ ماه) پس از اتمام نسخه‌های موجود چاپ اول اثر در بازار، نسبت به تجدید چاپ و انتشار آن اقدام نکند مؤلف می‌تواند کتباً چاپ مجدد اثر را خواستار شود و در صورت امتناع ناشر از نشر آن ظرف مدت مقرر راساً نسبت به تجدید چاپ اثر

اقدام کند.

مبحث یکم: تضمینها و تعهدات

در جریان نشر یک اثر، ناشر خطرهای مهمی را به جان می‌خرد اما در صورتی که اثر حاوی مطالب توهین‌آمیز یا موضوعی مبتذل و یا موضوعات مشابه آن باشد، ناشر و پدیدآورنده مسئول خواهند بود هرچند گروهی بر این باورند که چون وزارت ارشاد عمل ممیزی را انجام می‌دهد باید خودش نیز مسئول باشد. بنابراین معقول است که پدیدآورنده (کسی که نسبت به اثر بهتر از هر کس دیگری شناخت دارد) خطرات آن را افشا کند یا اینکه به نحوی تضمین دهد که اثری سالم و عاری از هر گونه توهین و افترا و... را به ناشر تحویل می‌دهد.

اکثر قراردادهای استاندارد ناشران شناخته شده جهان فهرست کاملی از این تضمینها^(۱) را در بردارند:

۱. اینکه پدیدآورنده اختیار کامل در انعقاد عقد دارد.
۲. پدیدآورنده خالق انحصاری اثر و مالک حقوق مورد انتقال و جواز است و مدعیانی مانند کارفرما یا مؤلفان مشترک ندارد.
۳. اثر قبلاً منتشر نشده یا هرگونه حقوقی قبلاً انتقال نیافته و یا موضوع اجازه قرار نگرفته است. به عبارت دیگر صاحب اثر تأیید می‌کند که از طرف وی هیچ‌گونه حقی نسبت به چاپ و انتشار اثر موضوع این قرارداد به شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار نشده است و در صورت وجود هرگونه ادعایی در این مورد مسئولیت آن به عهده صاحب اثر است. همچنین ممکن است برای ناشر بسیار مهم باشد که از عرضه نشدن اثر در گذشته از طریق اینترنت یا حتی در داخل یک اینترنت محلی مطلع شود. علاوه بر اینها ناشر می‌خواهد بداند که آیا قبلاً انتقال یا جواز انحصاری با اعطای برخی حقوق

مخصوص تضعیف شده است یا نه؟ برای مثال، اگر مؤلف قبلاً اجازه نشر اثر به زبان فرانسه را به ناشر دیگری داده باشد، حقوق ناشر جدید از این حیث محدود به نشر اثر به زبانهای دیگر خواهد بود. در واقع حقوق ناشر از این حیث تضعیف شده است. بنابراین، ناشر از مؤلف اثر می‌خواهد که عدم انتقال حقوق و یا عدم صدور اجازه در خصوص استفاده از آنها را در سابق تضمین کند.

۴. اثر، کپی‌رایت یا حق اشخاص ثالث را نقض نکرده است؛ مانند اینکه اجازه‌ای را که قبلاً اعطا شده یا حق پایگاه داده را نقض نکرده باشد.

۵. پدیدآورنده تضمین می‌کند که محتوای اثر توهین‌آمیز یا مبتذل نیست. ابتدال به مانند افترا خطری جدی در نشر می‌باشد و منحصر به کاتالوگهای مصور سکسی نیست. متن هم می‌تواند مبتذل باشد. افتراهای کفرآمیز یا آشوبگرانه، تحریک به انزجار نژادی و مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز جرم محسوب می‌شود | ۸۰:۱۱۱ به هر روی، معمولاً پدیدآورندگان تعهد می‌کنند که ناشران را در مقابل هرگونه اقدام قانونی یا ادعاها، حمایت کنند.

مبحث دوم: بررسی برخی از شروط معمول در قراردادهای نشر

۱. افزودن تصاویر و فهرستها: بیشتر قراردادهای نشر حاوی مقرراتی است که گنجانیدن موضوعات فرعی لازم (از قبیل گزیده‌های نقل شده، یا تصاویری که پدیدآورنده ممکن است از جای دیگری اخذ کرده باشد) را در برمی‌گیرد. برای ناشر مهم است که اطمینان یابد اجازه کپی‌رایت برای تکثیر چنین موضوعی پیش از نشر، تحصیل شده است در غیر این صورت خطر نقض کپی‌رایت وجود خواهد داشت. البته لازم به یادآوری است که گزیده‌های نقل شده ممکن است مشمول استفاده منصفانه گردد. | ۸۵:۱۱۱ برای حفظ توازن مناسب بین منافع دارندگان کپی‌رایت و استفاده‌کنندگان از آثار مورد حمایت، کنوانسیونهای بین‌المللی و قوانین ملی محدودیتهای مشخصی را نسبت به حقوق انحصاری پدیدآورنده مجاز می‌شمارند و امکان استفاده از آثار مورد

حمایت را در موارد خاص بدون نیاز به تحصیل اجازه از مالک کپی‌رایت و بدون پرداخت هرگونه اجرتی در قبال این استفاده مقرر می‌نمایند. چنین استثنائاتی که معمولاً به عنوان استفاده آزاد یا در برخی کشورها استفاده منصفانه از آثار مورد حمایت نامیده می‌شوند شامل تکثیر در موارد خاص: نقل قولها و استفاده از آثار به وسیله تصاویر برای مقاصد آموزشی می‌باشد. [۱۶:۵] ماده ۷ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ نیز این موضوع را مدنظر داشته است.

در مورد فهرستها باید گفت که اکثر نویسندگان ترجیح می‌دهند که خودشان فهرست‌نویسی را انجام دهند لیکن نوشتن فهرست خوب مستلزم مهارت حرفه‌ای و تخصصی است و یک نویسنده سرشناس و قدیمی همواره بهترین فهرست‌نویس نیست به خصوص اگر فهرست در موفقیت اثر مهم و مؤثر باشد. قرارداد باید نوع فهرست موردنظر را تعیین کند، موعدی که باید تهیه و ارائه شود، شخصی که بایستی آن را انجام دهد و چنانچه یک فهرست‌نویس غیر از مؤلف اثر، کار فهرست‌نویسی را انجام دهد نحوه پرداخت اجرت و شخص پرداخت‌کننده باید معین شود.

۲. عدم رقابت پدیدآورنده با ناشر: بسیاری از قراردادهای نشر حاوی شرط عدم رقابت است که بر اساس آن پدیدآورنده متعهد می‌شود که تا پایان قرارداد کارهای دیگری را که ممکن است به طور منطقی مستقیماً رقابت با اثر موضوع قرارداد تلقی شود یا بر فروش یا استفاده‌های دیگر آن اثر زیانبار داشته باشد انجام ندهد. غالباً تصریح می‌شود که این شروط تنها آثار رقابتی مستقیم را در برنگیرد بلکه شامل تلخیصها و توسعه و بسط همان اثر نیز شود. این گونه محدودیتها می‌تواند روش معقولی برای حمایت از سرمایه‌گذاری ناشر باشد به‌ویژه در مورد کتابهای درسی تخصصی. منتها این محدودیتها باید به طور جزئی و دقیق تعیین شوند نه به طور گسترده و مفصل. زیرا در صورتی که پدیدآورنده به طور کلی از تولید اثری مشابه یا معارض

منع شود به یقین می‌تواند غیر منصفانه تلقی شود تاجایی که امکان دارد محاکم از اجرای چنین شرطی خودداری کنند (به‌خصوص اگر ناشر قبلاً اختیار اقامه دعوا را در مورد نقض داشته باشد). این امر همچنین هنگامی مهم خواهد بود که مؤلف متخصص مشهوری در موضوع مربوطه است و چنین منعی ممکن است او را نه تنها از توسعه شهرت و شغش باز دارد بلکه احتمالاً از امرار معاش و کسب درآمد نیز محروم سازد. اگر این سلب حق به طور کلی شرط شود مضمول ماده ۹۵۹ قانون مدنی می‌شود که در آن سلب حق به طور کلی منع شده است و شرط مذکور به جهت عدم مشروعیت باطل خواهد بود اما قرارداد نشر به اعتبار و قوت خود باقی می‌ماند.

۳. شرط اصلاح اثر: یکی از مسائلی که در قراردادهای نشر مورد غفلت واقع می‌شود شرط اصلاح است. اگر چه در تمامی آثار انجام اصلاح ضرورت ندارد اما کوتاهی در تعیین انجام اصلاح در موضوعات خاص می‌تواند پیامدهای مهمی را برای ناشر و نویسنده داشته باشد. مقصود اصلی از این شرط به روز نگه‌داشتن مطالب خاص یا تغییرات مناسب و به موقع است که در محتوای اثر مؤثر خواهد بود مخصوصاً اگر موضوع مورد نظر مرتب در حال تغییر و دگرگونی باشد مثل حقوق، که در این موارد ناشر انعطاف‌پذیری متعارفی را برای ارائه آثار جدید در مناسب‌ترین زمان می‌طلبد. به عنوان قاعده کلی باید گفت که شرط اصلاح برای آثار آکادمیک و حرفه‌ای بسیار ضروری است اما در مورد آثار داستانی معمولاً مهم نیست.

مسئله‌ای که در این باره باید مورد توجه قرار گیرد این است که بین اصلاح اثر موجود و چاپ جدید آن تفاوت وجود دارد. عده‌ای از ناشران تمایل دارند که هر دو مسئله را یکسان تلقی کنند در حالی که گروهی دیگر تنها آثاری را که کمترین تغییرات در متن اولیه انجام گرفته باشد به عنوان اثر اصلاح شده می‌پذیرند ولی چاپ جدید شامل تغییرات مناسب در اثر می‌باشد و در مورد اخیر ناشر چاپ جدید را به عنوان اثر کاملاً جدید قلمداد می‌کند که نیازمند

قرارداد جدیدی برای چاپ آن است، البته ناشر می‌تواند به موجب شرط و تراضی با مؤلف هر دو را یکسان بپندارد و نیازی به اجازه نشر تازه پیدا نکند. (۱۳:۱)

شرط اصلاح باید موارد زیر را روشن سازد:

۱. شخصی که ضرورت اصلاح را تشخیص می‌دهد که معمولاً به تشخیص ناشر خواهد بود مگر اینکه مؤلف آن را منوط به رضایت خودش کرده باشد.
۲. دوره زمانی و مواقعی که انجام اصلاح ضروری است. (معمولاً تشخیص با ناشر است)

۳. انتخاب شخصی که اصلاح را انجام می‌دهد که عموماً بر عهده خود مؤلف است مگر اینکه قرارداد مقتضی ترتیب دیگری باشد.

۴. تعیین اجرت اصلاح کننده و نحوه پرداخت آن. (۲۱:۱۳)

هنگامی که پدیدآورنده فوت کند یا از انجام اصلاح ناتوان شود و یا به طور کلی تمایلی به اصلاح اثر یا تهیه مطلب جدید که در به روز کردن اثر ضرورت دارد نداشته باشد ناشر حق دارد که شخص دیگری را برای اصلاح اثر به کارگیرد و اجرت پرداختی به او از حق تألیف پدیدآورنده کسر خواهد شد و همچنین است موقعی که اصلاحات انجام یافته از جانب مؤلف برای ناشر قابل قبول نباشد.

امروزه پذیرفته شده است که تجدید چاپ یک کتاب، حتی گاه به قصد تغییر یک نکته کوچک امری کاملاً عادی است این که مثلاً تغییر چاپ یا تجدید چاپ کتاب فقط با اهداف اقتصادی صورت بگیرد مثلاً به این دلیل که نسخه‌های اثر در بازار نایاب شده، دیگر این دوره سپری شده است. دقت در فعالیتهای علمی و فرهنگی به حدی رسیده است که ما باید به طور مکرر در آنها تجدید نظر کنیم. (۱۵:۱۶)

به‌علاوه در قراردادهای بایستی ضمانت اجرای عدم ایفای تعهدات مؤلف از جمله شرط اصلاح را معین ساخت. در برخی قراردادهای شرط می‌کنند که

چنانچه مؤلف در ظرف مدت معینی اصلاحات لازم را به عمل نیاورد ناشر می‌تواند بعد از تذکر کتبی قرارداد به طور یک‌جانبه فسخ کند.

۴. تکثیر اثر و بازیینی نمونه چاپی: تمام امور مرتبط با تکثیر فیزیکی، تبلیغ و فروش اثر معمولاً در کنترل و تشخیص انحصاری ناشر باقی می‌ماند هرچند در بسیاری موارد ناشر تمایل دارد که با پدیدآورنده در امور سلیقه‌ای و مسائلی از قبیل تصاویر یا طرح جلد، نوع حروف، تیراژ، تعیین قیمت فروش، مشورت کند.

ناشران نمونه‌های چاپی را آماده کرده و به نویسنده عرضه می‌کنند و او موظف است که در مهلت متعارف (معمولاً ۱۴ تا ۲۱ روز) آن را به ناشر برگرداند. در صورتی که پدیدآورنده غایب یا بیمار باشد خود ناشر آنها را برای چاپ می‌فرستد و هزینه‌هایی که برای اصلاحات در نمونه‌های چاپی پرداخت می‌شود معمولاً از حق تألیف مؤلف کسر می‌شود. همچنین در خصوص ضمانت اجرای این شرط، معمولاً مقرر می‌کنند که چنانچه مؤلف در موعد مقرر نسبت به تحویل اثر نمونه‌خوانی شده اقدام نکند به ازای هر اندازه تأخیر درصد معینی از حق تألیف وی کاسته شود و چنانچه مدت زمان تأخیر در تحویل اثر از حد معینی فراتر رفت تصمیم ناشر در فسخ قرارداد نافذ خواهد بود و پرداخت تمام هزینه‌ها تا زمان فسخ قرارداد بر عهده مؤلف است.

۵. مطلع کردن مؤلف از فروش کتابهای مازاد: هنگامی که ناشر احساس می‌کند که بازار فروش کتاب از بین رفته یا بسیار کاهش یافته است، ممکن است تمایل داشته باشد که اختیار فروش باقیمانده کتابها را با تخفیف تحصیل کند که معمولاً این امر نیاز به رضایت پدیدآورنده دارد. این احتمال وجود دارد که پدیدآورنده هم‌زمان با اعلام رضایت خودش شرط کند که ناشر قبلاً او را از تصمیم خود مبنی بر فروش کتابهای مازاد مطلع سازد تا او چنانچه مایل باشد تمام یا بخشی از کتابها را با قیمت تخفیف یافته بخرد.

آگاه نساختن نویسنده می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت ناشر به خاطر نقض قرارداد و ارتکاب تقصیر باشد. این امر در پرونده‌ای اثبات شد که معلمی در مقابل کاسل^(۱) که این شرط (مطلع ساختن) را نادیده گرفته بود در دعوا برنده شد و کاسل ملزم به جبران خسارت او شد. زیرا آن معلم از شناس فروش کتابها به دانش‌آموزانش با قیمت ارزان محروم مانده بود. [۱۱:۹۵]

مبحث سوم: حق تألیف و پیش‌پرداخت

حق نشر در صدی از قیمت پشت جلد کتاب است که براساس توافق به عمل آمده به نسبت فروش به مؤلف پرداخت می‌شود. [۱۰:۱۴] همان‌طور که گفته شد در قرارداد عوض ارزشمندی تعیین می‌شود و غالباً افراد عوض را در پول تصور می‌کنند که ناشر مبلغ معینی به مؤلف پرداخت می‌کند. لیکن معمول است که ناشران عوض را به صورت حق تألیف می‌پردازند. این امر در به حداقل رساندن خطرهای نشر به سود ناشر مؤثر خواهد بود و چنانچه هیچ‌گونه فروشی انجام نشود هیچ حق امتیازی هم پرداخت نخواهد شد.

ناشر و نویسنده هر دو می‌خواهند که بیشترین سود را به دست آورند و کمترین زیان را متحمل شوند. از این رو در قرارداد نشر تخفیفها، پیش‌پرداختها، دریافتیهای خالص و... را پیش‌بینی می‌کنند. ناشران به لحاظ قانونی تعهدی به دادن پیش‌پرداخت ندارند مگر اینکه تراضی طرفین، پرداخت آن را اجاب کند اما معمولاً در قراردادها پیش‌پرداخت صورت می‌گیرد که این مبلغ از حق تألیف مؤلف محاسبه و کسر می‌شود.

مقدار پیش‌پرداخت بسته به توافق طرفین پیمان نشر است اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه اثر تحویل نشود یا در صورت تحویل فروش نداشته باشد تکلیف پیش‌پرداخت چه خواهد شد؟ در پاسخ می‌توان گفت که این مسئله تابع قرارداد خواهد بود. چنانچه قرارداد ساکت باشد

پیش پرداخت به ناشر مسترد خواهد شد. اما اگر خود ناشر زمینه فسخ قرارداد یا عدم فروش اثر را فراهم سازد مسئول خسارت پدیدآورنده خواهد بود. قیمت کتابها با توجه به جلدی که در چاپ و نشر آنها به کار گرفته می شود بر حسب این که جلد زرکوب باشد یا جلد شومیز و ... متفاوت خواهد بود و به تبع آن میزان حق تألیف نیز متغیر خواهد بود.

به هر حال جلد کتاب، شکل و فرمت آن (کوچک یا بزرگ بودن) در قیمت آن مؤثر است. لازم است که در قرارداد نحوه محاسبه میزان حق تألیف مشخص شود اگر به فرض ۱۶ درصد باشد، آیا این رقم براساس قیمت پشت جلد کتاب محاسبه می شود یا مراد درآمد واقعی فروش است که از هرگونه تخفیف و هزینه خالص است؟ این امر می تواند در مبالغی که پدیدآورنده دریافت می کند تفاوت زیادی ایجاد کند. در صورتی که بخش مهمی از فروشها با تخفیفهای بالا همراه باشد میزان حق تألیف متفاوت خواهد بود. بنابراین ضروری است که در مذاکراتی که بین ناشر و مؤلف انجام می شود تمام این مسائل در محاسبه حق تألیف مورد لحاظ باشد و از بروز اختلاف و دعوا در این زمینه جلوگیری کنند.

همچنین تعیین مواعد پرداخت حق تألیف از اهمیت زیادی برخوردار است. و نیز گاهی طرفین پیش بینی می کنند که در چاپهای بعدی اثر میزان حق تألیف مؤلف افزایش پیدا کند.

معمولاً حق نشر نسبت به فروش خالص یعنی قیمت پشت جلد پس از کسر تخفیف فروش و به نسبت فروش محاسبه می شود. یعنی اینکه اگر کتاب با عدم استقبال و موفقیت روبه رو شود و تنها اندکی از آن فروش رود، ناشر تنها بابت همان شمار اندک به فروش رفته، حق نشر می پردازد و پرداختها هم معمولاً هر شش ماه یا سالی یکبار انجام می شود. [۳:۱۹۰]

گفتار چهارم: گردآوری حقوق، خاتمه قرارداد و داوری مبحث یکم: نهادهای گردآورنده حقوق

در کشورهای پیشرفته، نهادهایی به نام نهادهای گردآورنده وجود دارد که مسئول وصول هزینه مجوز نشر از صاحبان دستگاههای عمومی تکثیر هستند. در واقع سازمانهایی هستند که فرایند حمایت از برخی حقوق مؤلفان را اعمال می‌کنند و علت ایجاد آنها، این است که در بسیاری موارد مؤلفان قادر به کنترل فرایند استفاده از اثر خویش یا واگذاری امتیازهای مربوط به آن نیستند و مؤسسات گردآورنده این امر را تسهیل می‌کنند. این نوع گردآوری و توزیع حق تألیفهای ناشی از کپی‌رایت در سطح بین‌المللی نیز موفق نشان داده است. زیرا نهادهای ملی گردآورنده حق تألیفها از طریق قراردادهای دو جانبه منعقد شده بین کشورها به یکدیگر پیوند می‌خورند. به موجب این قراردادها، طرفهای مجاز در کشور مقابل نیز در فرایند گردآوری حق تألیف سهیم می‌شوند. ۱۱:۱۲۰] به هر حال ایجاد این‌گونه نهادها به سود ناشران و مؤلفان خواهد بود.

برخی از نویسندگان مشهور از ناشر می‌خواهند که به گردآوری و اداره درآمد آنان اقدام کنند چرا که ناشران در تعیین نرخ برای جوازهای مختلف خبره هستند از طرف دیگر نویسندگان نه وقت انجام این امور را دارند و نه آگاهی دقیق از آنها. در واقع ناشر کپی‌رایت مؤلف را اعمال و اداره می‌کند و در قبال آن، اجرتی به میزان درآمد نشر دریافت می‌نماید. ۱۱۴:۲]

مبحث دوم: خاتمه قرارداد و بازگشت حقوق

از آنجایی که حقوق مورد انتقال برای مدت زمانی معین انتقال می‌یابد یا جواز استفاده از آنها داده می‌شود در نتیجه باید مواردی را که قرارداد پیش از موعد خاتمه می‌یابد مشخص کرد، مثلاً اگر اثر اصلاً ایجاد نشود یا در صورت ایجاد قابل قبول برای ناشر نباشد.

با خاتمه قرارداد به هر نحو، حقوقی که انتقال یافته یا موضوع اجازه قرار

گرفته است بایستی نزد صاحب آن بازگردند و از ادامه استفاده آنها خودداری شود. رجعت حقوق معمولاً بدون تضعیف کردن جواز یا قراردادهای دیگری که احتمالاً در زمان اجرای قرارداد منعقد شده، صورت می‌گیرد. به طور کلی نقض هر یک از شرایط قرارداد برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می‌کند.

مبحث سوم: داوری

در هنگام وقوع اختلاف، عبارات و شرایط قرارداد حاکم خواهد بود بنابراین تنظیم دقیق و صریح آن بسیار مهم است. اکثر قراردادهای نشر رجوع به داوری را در صورت وقوع اختلاف شرط می‌کنند.

قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان^(۱) که قوانین قبلی را ادغام و متحد ساخت (قوانین ۱۹۵۰ و ۱۹۷۹) مقرر می‌کند که منابع در داوری دو نوع هستند داوری سنتی (جایی که طرفین مقرر می‌کنند که در صورت بروز اختلاف به هیئت داوری مورد توافق خود مراجعه کنند نه به دادگاه) و داوری قانونی (هنگامی که طرفین در خصوص اعمال جریان داوری تصمیم نگرفته‌اند قانون مقررات داوری را اعمال می‌کند). قانون‌گذار شیوه اول را تشویق و ترغیب می‌کند و در جایی که طرفین در این مورد تراضی کرده‌اند دخالت نمی‌کند. (۱۱۱:۹۷۱)

به هر حال، اختلاف ناشر با نویسنده جزء آن دسته از امور هستند که نوع رسیدگی به آن در قانون پیش‌بینی نشده است و جایگاهی که بتواند فارغ از مسیرهای طولانی و خسته‌کننده دادگاه به این دعاوی با آگاهی از مسائل نشر رسیدگی کند نیز تعریف نشده است.

اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واحدی به نام هیئت حل اختلاف ناشران و نویسندگان را دایر کرده که مبتنی بر روش کد خدامتشی است. این واحد دارای جایگاه قانونی و ضمانت اجرا نیست و از طرفی داوران همواره

1. Arbitration act of United Kingdom (1996).

در معرض اتهام غرض ورزی قرار دارند. [۸:۷]

نتیجه

به دلیل اینکه در ایران، قوانین و مقرراتی برای نشر آثار وجود ندارد همواره چالشها و دشواریهایی در انعقاد قرارداد نشر و در طول اجرای آن میان مؤلفان و ناشران ایجاد می شود. مؤلفان اغلب به دلیل بی اطلاعی از بازار و محاسبات سودگرایانه و نیز اشتیاق زیاد برای چاپ آثار خود، قراردادهایی می بندند که محتوای آنها به معنی چشم پوشیدن از بخش عمده‌ای از حقوق مادی و معنوی آثار آنهاست.

البته ناشران هرگز این ادعا را نمی پذیرند و در مقابل به تبع این گونه قراردادهای و حمایت‌های وسیع وزارت ارشاد از آنها سود کلانی به دست می آورند. حتی به خاطر عدم آگاهی مؤلفان، ناشران سودجو شروطی را در قراردادهای نشر می آورند که کاملاً به ضرر مؤلفان است و موجب از دست رفتن حقوق آنها می شود. [۱۹:۲۵]

ناشران به دلیل اینکه در موضع برتری هستند در انعقاد قراردادهای، شروط خود را به نویسندگان به ویژه مؤلفان تازه کار و ناشناس تحمیل می کنند از طرف دیگر نظارتی بر کار ناشران وجود ندارد و گاهی آنها اثری را در شمارگان افزون بر آنچه در شناسنامه کتاب می نویسند به چاپ می رسانند اما تنها به اندازه شمارگان معین در شناسنامه کتاب، حق تألیف پرداخت می کنند. علاوه بر اینها همان طور که پیش از این نیز گفته شد بیشتر ناشران بزرگ، قراردادهای نمونه‌ای آماده کرده اند و به جهت اینکه در موقعیت بهتری قرار دارند مؤلفان را به پذیرش آن وادار می نمایند.

با توجه به آنچه آمد به نظر می رسد که باید:

۱. قوه مقننه رسالت قانون گذاری خویش را انجام داده و با تصویب قانونی مناسب به وضعیت تلخ و نابسامان نویسندگان و ناشران، سر و سامان بخشد.

۲. قراردادهای نمونه عادلانه و منصفانه‌ای تنظیم شود که در هنگام انعقاد قرارداد نشر از آن تبعیت شود.
۳. نهاد و مرجعی رسمی و قانونی برای حل اختلاف ناشر و مؤلف ایجاد شود و آنان را از اینکه اسیر دادرسیهای طولانی و وقت‌گیر محاکم شوند رها سازد.

فهرست منابع

۱. بلوم کونیست (بورگن)، حمایت بین‌المللی از کپی‌رایت و حقوق، در: **سخنرانیها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالشها و رهیافتها**، به کوشش شفیع شکیب (مرتضی)، خانه کتاب، ۱۳۸۱.
۲. جعفرزاده (میرقاسم)، جزوه حقوق آفرینشهای فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۲.
۳. خلعتبری (فریده)، **هایوری بسیار برای هیچ**، در: **سخنرانیها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالشها و رهیافتها**، به کوشش شفیع شکیب (مرتضی)، خانه کتاب، ۱۳۸۱.
۴. راس (کریستین)، **کپی‌رایت و مجوزدهی بین‌المللی**، در: **سخنرانیها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالشها و رهیافتها**، به کوشش شفیع شکیب (مرتضی)، خانه کتاب، ۱۳۸۱.
۵. شفیع شکیب (مرتضی)، **حمایت از حق مؤلف، فرانسن و مقررات ملی و بین‌المللی**، خانه کتاب، ۱۳۸۱.
۶. شفیع شکیب (مرتضی)، **سخنرانیها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالشها و رهیافتها**، خانه کتاب تهران، ۱۳۸۱.
۷. صفایی (سیدحسین)، **بررسی حقوق مؤلف و نارساییهای آن در ایران**، در: **سخنرانیها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالشها و رهیافتها**، به کوشش شفیع شکیب (مرتضی)، خانه کتاب، ۱۳۸۱.

۸. کتاب هفته، شماره ۴۲، ۱۳۸۰.
۹. کتاب هفته، شماره ۲۹، ۱۳۸۰.
۱۰. کتاب هفته، شماره ۲۶، ۱۳۸۰.
11. Jones, H & Benson ch. (Publishing Law). second edition, London and NewYork 2002.
12. Morgan, c "Intellectual property Rights and book publishing". chapter 11.
Available at: <http://ccat.sas.upenn.edu/jod/nwu.2.html>.
13. Publishing contract: Revisions Clauses. Available at: WWW publaw. com.
14. www.publishit.com/contract.html.

